

واکاوی آینده‌پژوهی با رویکرد آیت‌الله بهجت علیه السلام به آموزه مهدویت

پرستو مصباحی جمشید^۱

چکیده

دانش آینده‌پژوهی، درصدد ایجاد و توسعه رهیافت‌های متحول‌کننده‌ای در زیست بشر است. مهدویت نیز به‌عنوان آموزه‌ای که در امتداد زمان، گسترده شده است، ظرفیت‌های تازه‌ای از برنامه دین برای آینده جهان را منکشف می‌کند. پرداختن به وجوه هماهنگ این دو جریان، بر غنای مطالعات آینده‌پژوهانه می‌افزاید. هدف این پژوهش، واکاوی آینده‌پژوهی از خلال بیانات آیت‌الله بهجت علیه السلام در باب آموزه مهدویت است. روش پژوهش، توصیفی تحلیلی است و یافته‌ها حاکی از این است که بیانات و تجربیات عرفانی آیت‌الله بهجت علیه السلام، ظرفیت مناسبی برای بازآفرینی مباحث ناظر به آینده، خلق معانی تازه برای دانش آینده‌پژوهی و توسعه قلمرو آن دارد. ترسیم مبادی آینده‌پژوهی از طریق پرداختن به اضلاع مثلث آینده‌پژوهی و تحلیل توحیدی آن صورت گرفته است. در این پژوهش با نظر به سلوک علمی و عملی آیت‌الله بهجت علیه السلام، به تفکیک آینده‌پژوهی مردمی از سیستمی و نقش حوادث غیرمترقبه در آینده پرداخته شده است. همچنین با ارائه تفسیری از اصل عدم قطعیت، به دلالت‌های پذیرش یا نفی این اصل برای آینده دینی رسیده و نهایتاً مفاهیم و مصادیقی که در جهان پیشاظهار و پساظهار، فرج شخصی را منجر به فرج عمومی می‌کند، واکاوی شده است.

کلیدواژگان: آموزه مهدویت، آینده‌پژوهی، آیت‌الله بهجت علیه السلام، مبادی آینده‌پژوهی، فرج.

مقدمه

با وجود اختلاف معنایی و ادراکی مردمان در مورد آینده، در توجه به آینده، اشتراک قابل توجهی میان انسان‌ها وجود دارد. در دوران معاصر، دانش آینده‌پژوهی برای مطالعه در باب وجوه ممکن، محتمل و مطلوب آینده/آینده‌ها به وجود آمده است. آینده‌پژوهان تلاش می‌کنند با روش‌های ساختارمند و هوشمند به پیش‌بینی آینده بپردازند؛ به گونه‌ای که با بالاترین میزان عقلانیت، قدرت تبیین و دفاع همراه باشد. در دین اسلام نیز در باب آینده و رویدادهای حتمی آن، آموزه‌های متقنی وجود دارد. محوریت آن بر باور به وجود و حضور دائمی حجت خداوند در زمین، غیبت ظاهری و مقطعی، و ظهور او در آخرالزمان می‌باشد. در این پژوهش، تلاش شده است از منظر سلوک عرفانی آیت‌الله بهجت علیه السلام به آموزه مهدویت نگریسته شود، ظرفیت‌های این رویکرد آشکار گردد و سپس درباره ایده‌ها، راهکارها و چشم‌اندازهایی که نظریه‌پردازان حوزه آینده‌پژوهی دارند، به بررسی و تحلیل پرداخته شود. واکاوی آینده‌پژوهی با رویکرد عرفانی به آموزه مهدویت، اهمیت بنیادی دارد؛ زیرا آینده‌پژوهی به عنوان علم درجه دوم^۱ به بررسی وجوه نظری، انگیزشی و مهارتی علوم می‌پردازد و برخلاف فلسفه علم که متمرکز بر ابعاد نظری علم است، امکان واکاوی عمیق‌تری را در مواجهه با آموزه مهدویت که صبغه الهی و ابعاد «تاریخی-تربیتی» دارد، پیش روی محقق قرار می‌دهد؛ همچنین بستر مناسبی برای همخوانی، ارزیابی، اصلاح، تکمیل و نقد آینده‌پژوهی از منظر آموزه مهدویت فراهم می‌کند.

شایان ذکر است که در این تطبیق مفهومی، عرفان نه به عنوان دستگاہ مراد و مریدی که قدمت چندهزار ساله دارد، بلکه به عنوان نظام‌واره‌ای در نظر گرفته شده است که متصل به توحید است و در ارتباط انسان با خدا قائل به وجود واسطه‌ها و تدبیر آن‌ها در عالم است. عرفای برجسته‌ای مانند امام خمینی، آیت‌الله حسن‌زاده آملی و آیت‌الله بهجت، توحید را در امتداد ولایت‌پذیری فهم

۱. از آنجا که علوم درجه دوم به دنبال تحلیل یک علم از بیرون هستند تا بتوانند سیر آن علم را نشان دهند، آینده‌پژوهی از علوم درجه دوم است. متعلق علوم درجه دوم معارف و آگاهی‌های انسان هستند نه واقعیت‌های عینی؛ مانند آنچه در علمی چون فیزیک و شیمی دنبال می‌شود (کاپالدی، فلسفه علم، ص ۳۱-۲۸).

کرده‌اند. از نظر امام خمینی مصادیق کامل خلیفه اعظم، هم‌اکنون در وجود مقدس امام زمان علیه السلام متبلور است و راه صواب را به درستی و کمال، از طریق ایشان می‌توان شناخت.^۱ محقق در این پژوهش، آموزه متقن مهدویت را از خلال فهم عارف وارسته؛ آیت‌الله بهجت رحمته الله علیه، مورد مذاقه قرار داده است. به برخی از دلایل این امر اشاره می‌شود:

۱. حضرت آیه الله بهجت در مقام عارف، آموزه مهدویت را چشیده و زیسته است. این پژوهش نیز به مثابه مبرهن کردن امر مشهود است. پیش فرض محقق، این است که در رفت و برگشت مفاهیم از مقام نظر به عمل، نوعی بلوغ و پختگی در مفاهیم رخ می‌دهد که جامعه جهانی برای زمینه‌سازی ظهور به آن نیازمند است. آموزه مهدویت با اتکا به وحی، برخوردار از عینیت وجودی امام است و از دلان‌های مختلفی چون ذهن و قلب عارف، فیلسوف، مجتهد و ... عبور کرده است و اکنون در فرایند بلوغ مفهومی و عینی خود در عرصه جهانی، با همه جریان‌هایی که ادعای پیش‌بینی آینده و ساخت آن را دارند، هم‌اوردطلبی می‌کند. تعدد این هم‌اوردی از دلان ذهن و قلب عارف و اصلی چون آیت‌الله بهجت رحمته الله علیه آغاز شده است؛ زیرا وی با سلوک عملی خود توانست مصلح و احیاگر فرهنگ انتظار در عصر حاضر باشد و ضمن مبارزه علمی و معنوی با جریان انحرافی مهدویت که به‌ویژه در دهه هفتاد با موج ادعای ارتباط با حضرت و گرم شدن بازار تطبیق روایات علائم ظهور اشاعه یافته بود، در توسعه معارف و توسلات مهدوی در جامعه شیعیان، ارتقا و تعمیق شگرفی ایجاد کند.

۲. آیت‌الله بهجت رحمته الله علیه صراحتاً به اهمیت آینده و رویدادهای آن می‌پردازد: دشمنان برای پنجاه سال آینده ما نقشه کشیده‌اند... آیا اکنون که آرامش هست، نباید فکر بمباران را بکنیم؟^۲ الهام‌گیری از ادراکات و دریافت‌های علمی و عینی او برای سنجش مطالعات آینده‌پژوهانه، پرفایده خواهد بود.

۳. در بیانات آیت‌الله بهجت رحمته الله علیه بر بعد معرفتی آموزه مهدویت تأکید بسیار شده است که این امر برای نقد گفتمان‌ها در باب آینده، راهگشا می‌باشد.

۱. امام خمینی، صحیفه امام خمینی، ج ۲۱، ص ۵.

۲. بهجت، حضرت حجت، ص ۱۷۲.

مسئله‌های اصلی پژوهش چنین است: آیت‌الله بهجت رحمته‌الله‌علیه چه ترسیمی از آموزه مهدویت ارائه داده است؟ اگر با رویکردی که ایشان به آموزه مهدویت داشت، به واکاوی آینده پرداخته شود، چه ظرفیت‌ها و ملاحظات امیدبخشی پیش روی دانش آینده‌پژوهی خواهد بود؟

مبنای پژوهش حاضر در فرمایش‌های آیت‌الله بهجت رحمته‌الله‌علیه، کتاب حضرت حجت می‌باشد که حاوی مجموعه‌ای از بیانات وی در باب موضوع مهدویت است. شایان ذکر است درباره ارتباط آینده‌پژوهی و مهدویت، مقالات متعددی نگاشته شده است؛ اما در این پژوهش‌ها، ابعاد فردی و اجتماعی سلوک عرفای شیعی، به ویژه آیت‌الله بهجت رحمته‌الله‌علیه، مورد مذاقه قرار نگرفته است.

۱. مبانی نظری

مطالعات آینده‌پژوهانه و آموزه مهدویت

آینده‌پژوهی،^۱ حوزه‌ای جدید و میان‌رشته‌ای است که در خاستگاه خود (مغرب زمین) به شکلی مدرن، متولد و بالنده شده است. «وندل بل» معتقد است آینده‌پژوهی در پی شناسایی، ابداع، ارائه، آزمون و ارزیابی آینده‌های ممکن و محتمل است، تا بر پایه ارزش‌های جامعه، آینده‌های مرجح را انتخاب و برای پی‌ریزی ساخت مطلوب‌ترین آینده، کمک کند.^۲ اصولی در این دانش وجود دارد که آینده‌پژوهان، ادراکات و اقدامات خود را بر آن مبتنی می‌کنند:

- بهبود آزادی و سطح رفاه بشر؛^۳
- شناخت تغییرات زمان حال و همگام شدن با آن؛^۴
- عدم قطعیت در باب آینده؛^۵

1. Future studies.

2. Bell, Foundations of Fututes Studies, p 73.

3. Ibid, p59.

۴. بل، مبانی آینده‌پژوهی، ص ۱۸۵.

5. Silva, A systematic review of foresight in project Management literature, p 792-799.

- تأثیر انسان در سرنوشت خود و شکل دادن به آینده.^۱

آینده پژوهی به مقوله سعادت بشر توجه داشته و می‌کوشد آینده‌های ممکن را که به این نتیجه می‌انجامد، شناسایی و معرفی کند. در آینده پژوهی، سعادت صرفاً در بعد مادی دنبال می‌شود؛ زیرا خاستگاه سکولاری دارد؛^۲ اما در جهان، جریان فراگیری به نام دین وجود دارد که سعادت را در بعد مادی و معنوی دنبال کرده، نظام یافتگی خود را در باب آینده با ساختاری توحیدی ارائه می‌نماید؛ نه با شاکله‌ای که بتوان نام آینده پژوهی اسلامی بر آن نهاد. دین اسلام در باب آینده بشر، ساکت نبوده و با مفاهیمی مانند دوراندیشی و عاقبت‌نگری، توجه بشر را به پیامدهای عملکرد خود جلب کرده است. آیه ۴۵ سوره یاسین و ۱۳۷ سوره آل عمران از جمله آن‌ها می‌باشند. همچنین در آیه ۱۱ سوره بلد که به واژه «العقبه» اشاره می‌فرماید و آن را به مثابه گرده‌ای توصیف می‌کند که بالارفتن از آن، فلاح و رستگاری را به دنبال دارد. خداوند، مصداق‌های عینی آن را آزاد سازی بنده، طعام دادن روز قحطی و طعام دادن به مسکین می‌داند.

در دهه‌های اخیر، تلاش‌هایی از سوی برخی شخصیت‌های مسلمان برای ارائه دیدگاهی منسجم در باب آینده صورت گرفته است. بر اساس یک ارتکاز عمومی، سخن از آینده‌گرایی اسلامی با آموزه مهدویت درهم تنیده شده و از جهات متعددی باب نسبت‌سنجی میان آموزه مهدویت با آینده پژوهی را گشوده است.

رویکرد آیت‌الله بهجت رحمته‌الله به آموزه مهدویت

معرفت و محبت به امام و اطاعت از ایشان، لوازم اصلی مهدویت باوری آیت‌الله بهجت رحمته‌الله است. وی، گام نخست در برقراری ارتباط با امام عصر علیه‌السلام را معرفت به ایشان می‌دانست و بر تقویت لحظه به لحظه این معرفت تأکید داشت.^۳

1. Voros, A generic foresight process framework. Foresight, p 10-12.

2. Bell, Foundations of Fututes Studies, p 3.

۳. بهجت، حضرت حجت، ص ۴۸.

توجه او به معرفت، با فرمایش معصوم که آغاز دینداری را شناخت خداوند دانسته‌اند،^۱ هماهنگی معناداری دارد. با اینکه معرفت به امام بر سایر عناصر تقدم دارد، نسبت وجودی در مواجهه مؤمن با امام، در یک شبکه معنایی [نه یک رویه خطی] با اثر متقابل، متبلور می‌شود و صرفاً معرفتی نیست. معرفت مؤمن به وجود مقدس امام عجله الله تعالی فرجه بر میزان و کیفیت محبت او تأثیر مستقیم دارد؛ به همین منوال فزاینده‌گی محبت و معرفت، به اعتلای عملکرد مؤمنان و بلوغ رفتاری آن‌ها منجر خواهد شد. رفتارهای متعالی، بر غنای معرفتی می‌افزاید و این خود بر توسعه محبت دامن می‌زند. این پیوستار تا بی‌نهایت ادامه می‌یابد و این ارتباط شبکه‌ای، گستره هستی را در برگرفته و به التهاب تمام کائنات و بی‌تابی آن برای ظهور حضرت و برپایی مطلوب‌ترین صورت زیست بشر در نشئه مادی عالم منجر می‌شود. بر همین اساس، نحوه برنامه‌ریزی و اقدام انسان معاصر دیندار برای آینده، روشن و متمایز می‌شود و به همان مؤلفه‌هایی دست می‌یابد که آینده‌پژوه‌هان می‌خواهند در افراد ایجاد شود. آن‌ها در پی ایجاد بینش، گرایش و کنش‌های خردمندانه در باب آینده هستند.

بر اساس فرمایش‌های آیت‌الله بهجت رحمته الله علیه معنای معرفت، محبت و اطاعت نسبت به امام، چنین است:

انسان از طریق بندگی خدا، رابطه خود با امام را حفظ کند،^۲ واسطه خدا را دوست بدارد و تحت هدایت او باشد،^۳ در حب و بغض‌ها تابع امام باشد^۴ و برای ظهور او مسلح و آماده باشد.^۵

وی برای معرفت به امام، مراتب و درجاتی قائل است. مرتبه نخست، اعتقاد به وجوب اطاعت از امام است؛ زیرا میان معرفت و اطاعت، پیوندی ناگسستنی است:

۱. نهج البلاغه، ص ۳۲.

۲. بهجت، حضرت حجت، ص ۱۷۹.

۳. همان، ص ۱۸۰.

۴. همان، ص ۱۸۱.

۵. همان، ص ۱۸۵.

حداقل معرفت به امام (ادنی معرفة)، فهم مفترض الطاعة بودن امام است؛ ولو اینکه اسم او را نداند.^۱

این حداقل معرفت، عاملی برای پیوند همه انسان‌ها است؛ زیرا همه افراد، عدالت و سایر مفاهیم اخلاقی که در امام وجود دارد را دوست دارند و طالب آنند و امکان تحقق آن برای هر شخص غیر مستضعفی در هر جای عالم و به هر زبانی وجود دارد.^۲ این بدان معناست که عموم مردم به دلیل درستی، معقولیت و محبوبیت مشی امام، مطیع ایشان خواهند شد؛ ولو اینکه شناختی از او نداشته باشند. مرتبه دیگر، معرفت اعلا به امام است که از نظر آیت‌الله بهجت رحمته «برای فهم آن باید به سراغ سلمان رفت و البته بین آن حداقل و این حداکثر، مراتب فراوان وجود دارد».^۳ اعتقاد به عصمت امام، یقین به عنایات امام و حاضر و ناظر دیدن امام از دیگر مراتب معرفت به امام است.

درک مراتب شناخت امام، در امور متکثری از حیات انسان تأثیرگذار است. آیت‌الله بهجت رحمته، اثرات معرفت به امام را در دو سطح بیان میکنند: در درجه اولیه، معرفت منجر به رهایی از مرگ جاهلی می‌شود و در درجات بالاتر اکسیری است که ظرفیتی ایجاد می‌کند تا صفت حکمت در فرد ایجاد شود.^۴ او به اهمیت و دشواری معرفت و اطاعت نیز توجه داشت: «در هر واقعه و در هر حرکت و سکون، مشکل اصلی، تشخیص تکلیف است و بعد مشکل‌تر از آن، عمل به آن تکلیف».^۵ وی معتقد بود راه رفع این دشواری، «عمل به قطعیات و یقینیات دین است. در وقت خواب و محاسبه پی می‌بریم که از کدام یک از کارهایی که کرده‌ایم قطعاً حضرت امام علیه السلام از ما راضی است و

۱. همان، ص ۵۰.

۲. همان، ص ۵۱.

۳. همان.

۴. همان، ص ۴۹.

۵. همان، ص ۶۱.

از چه کارهایمان قطعاً ناراضی است»^۱. از منظر آیت‌الله بهجت رحمته، معرفت امام به احوال عالم، لازمه مهمی دارد که عبارت است از «مُطَرِد (فراگیر) بودن علم امام»؛ لذا می‌فرماید: «ما قطع داریم به اینکه در عین حال که حضرت غایب هستند، خیلی از کارهایی که حاضرها انجام می‌دهند، ایشان هم انجام می‌دهند»^۲. این آگاهی، بر مسئولیت امام در برابر بشریت دلالت دارد. امام علی علیه السلام درباره مسئولیت پنج‌گانه امام می‌فرمایند: «مواعظ الهی را به همه ابلاغ کند، تلاش و کوشش در خیرخواهی، احیای سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، اجرای حدود الهی نسبت به تمام مستحقان و پرداختن حقوق و سهم همگان»^۳. انجام این امورات از سوی امام، نیازمند آگاهی امام به کلیه احوال انسان‌ها است. در این باره آیت‌الله بهجت رحمته می‌فرماید:

عمودی از نور برای امام است که اعمال بندگان در هر شهری را در آن می‌بیند و یا ملکی برای او خبر می‌آورد. همچنین روح القدس مؤید او است؛ غیر از آن روحی که هر سال یکبار در شب قدر بر او نازل می‌شود.^۴

این سطح وسیع از علمیت، حفظ کیان اسلام را نتیجه خواهد داد. آیت‌الله بهجت رحمته در اشاره به حکمت‌های غیبت، صراحتاً به این امر پرداخته است.^۵ از آنجا که امام مجاری امور است، بدون اعمال نقش در عالم، بساط اسلام برچیده خواهد شد. علامه طباطبایی در کتاب طریق عرفان از روایات نقل کرده است که حضرت قائم اسرار شریعت را آشکار می‌سازند و از حقیقت آن‌ها پرده بر می‌دارند و قرآن نیز ایشان را تصدیق می‌کند.^۶

با توجه به معرفتی که امام به احوال عالم دارد و متقابل بودن این معرفت در میان موجودات

۱. همان، ص ۱۸۷.

۲. همان، ص ۱۵۷.

۳. نهج البلاغه، ص ۱۹۵.

۴. بهجت، حضرت حجت، ص ۱۱۱.

۵. همان، ص ۱۲۸.

۶. همان، ص ۱۲۱.

۷. طباطبایی، طریق عرفان، ص ۲۲.

عالم هستی، انسان این شأنیت را دارد که نسبت به امام شناخت پیدا کند. از منظر آیت‌الله بهجت رحمته، شناخت انسان نسبت به امام، مفاد و ثمراتی را به همراه دارد که عبارت است از:

الف. ادراک جامعیت حضور امام در عالم هستی

حضور امام در منظومه هستی، علاوه بر کارکردهای اجتماعی، شئون هستی‌شناسانه‌ای دارد که از تحلیل هویت انسان کامل به دست آمده است و برای عموم مردم به منزله واسطه فیض محسوب می‌شود. در همین معنا آیت‌الله بهجت رحمته می‌فرماید:

امام علیه السلام از ما دور نیست و مانند خداوند که غیب الغیوب است، همه جا با ما است.^۱ امام زمان علیه السلام عین الله الناظره و اذنه السامعه و لسانه الناطق فی خلقه و یده المبسوطة (چشم بینا، گوش شنوا، زبان گویا و دست گشاده خداوند) است و از اقوال، افعال و افکار و نیات ما اطلاع دارد؛ مع ذلک گویا ما ائمه و به خصوص امام زمان علیه السلام را حاضر و ناظر نمی‌دانیم؛ بلکه گویا - مانند عامه - اصلاً زنده نمی‌دانیم و به کلی از آن حضرت غافل هستیم.^۲

از برکات ادراک جامع امام این است که هر قدر تشبه مردم به امام بیشتر شود، امکان بهره‌گیری از فیوضات توجه امام به مردم نیز توسعه یافته و برای همه فراهم می‌شود. در واقع همه افراد از نورانیت امام بهره‌مند می‌شوند:

اگر ما نیز به اندازه توان خود در هدایت مردم تلاش و کوشش کنیم، آیا امکان دارد که مورد عنایت «عین الله الناظره» و امام زمان علیه السلام نباشیم؟^۳

ب. تقرب انسان به خدا

امام‌شناسی، باعث شناخت خدا و تقرب به او می‌شود. این رابطه از نظر آیت‌الله بهجت رحمته متقابل است. وی می‌فرماید:

۱. بهجت، حضرت حجت، ص ۱۱۰.

۲. همان، ص ۵۷ و ۱۱۰.

۳. همان، ص ۷۲.

اگر مسئله امام شناسی بالا رود، خداشناسی هم بالا می‌رود؛ زیرا چه آیتی بالاتر از امام؟ امام آئینه‌ای است که حقیقت تمام عالم را نشان می‌دهد.^۱

ج. پذیرش ریاست امام بر مؤمنان

از منظر آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه «امام از اعمال ما آگاه هستند و کلیه اعمال به ایشان عرضه می‌شود و امضای ایشان، نیاز هست»^۲. ریاست امام بر ما در امتداد ربوبیت الهی است و به همین دلیل می‌فرمایند: «ما رئیسی داریم که بر احوال ما ناظر است»^۳.

د. لحاظ رضایت و نارضایتی امام در تمام امور

از آنجا که امام واسطه فیض الهی است، رضایت او رضایت الهی را در پی دارد:

در هر فیضی، خصوصی باشد یا عمومی، داخلی باشد یا خارجی، جسمانی باشد یا روحانی، بلاکلام، واسطه او است.^۴

به اعتبار اینکه حضور امام به معنای موجودیت نورانی و کامل در عالم هستی است که اصلاح امور بدون رضایت ایشان واقع نمی‌شود، جلب نظر ایشان مهم است. در واقع، رضایت امام به اعمال مؤمنان معنا می‌دهد و این امر به مثابه معیار و اصولی برای آینده‌پژوهی دینی است. آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه می‌فرماید:

همه ادوات و ابزار را از خود او می‌گیریم و به نفع دشمن به کار می‌بریم و آلت دست کفار و اجانب می‌شویم و به آن‌ها کمک می‌کنیم. چقدر سخت است اگر برای ما این امر ملکه نشود که در هر کاری که می‌خواهیم اقدام کنیم و انجام دهیم، ابتدا رضایت و عدم رضایت او را در نظر نگیریم و رضایت و خشنودی او را جلب ننماییم.^۵

۱. همان، ص ۱۱۲.

۲. همان، ص ۱۱۳.

۳. همان، ص ۱۱۴.

۴. همان، ص ۳۱۳.

۵. همان، ص ۱۱۴.

ه. مورد عنایت امام واقع شدن

از آنجا که «تطلع امام بر مؤمنین غیر از تطلع او بر همه عالم است؛ حضرت نظر خاص به مؤمنین دارند»،^۱ دخل و تصرف امام در قلوب مؤمنان به قدری است که قادر هستند بی آنکه فرد بداند، احوال خاصی را در مؤمنان ایجاد کنند:

بعضی وقت‌ها انسان می‌بیند که یک حال خوشی دارد، حالت نورانی دارد. نمی‌داند علتش چیست. هر چه فکر می‌کند، هیچ علتی نمی‌یابد. نمی‌داند که در کوجه‌ای رد می‌شده و فقط به نحو گذرا حضرت از کنارش رد شده است. این نورانیت و حال خوش، به همین جهت در این شخص ایجاد شده است. آیا حضرت صاحب علیه السلام که از دست دشمن‌ها در پشت پرده غیبت است، از دوستانش هم غافل است که هر چه بر سرشان آمد، آمد؟ خدا می‌داند آن حضرت تا به حال چه کرده و چه می‌کند.^۲

و. تبلور محبت

محبت در سایه معرفت روی می‌دهد. کسانی که نسبت به امام شناخت یافته‌اند، با قلبی آماده در جنبش جهانی حضرت، همراهی خالصانه‌تری خواهند داشت. این ارتباط عاطفی، امری متقابل است؛ لذا آیت‌الله بهجت رحمته الله علیه می‌فرماید:

آیا می‌شود که انسان به راستی و نه به دروغ در خود حس کند که محبتش به امام زمان علیه السلام زیادتر شده است؛ ولی حضرت عنایتش بیشتر نشده باشد و یک قدم به سوی او نیامده است؟ آیا قلب او نعوذ بالله از قلب ما کمتر است؟^۳

امام مستقیماً با قلب شیعیان ارتباط دارد؛ «چقدر بگوییم که امام زمان علیه السلام در دل هر شیعه‌ای یک مسجد دارد»؛^۴ «چقدر حضرت مهربان است به کسانی که اسمش را می‌برند و صدایش می‌زنند

۱. همان، ص ۱۱۹.

۲. همان، ص ۵۴.

۳. بهجت، حضرت حجت، ص ۱۸۲.

۴. همان.

و از او استغاثه می‌کنند. از پدر و مادر هم به آن‌ها مهربان‌تر است»^۱.

ز. اطاعت امام در سایه معرفت

آیت‌الله بهجت رحمته‌الله بر وجهه عملی در سلوک دیندارانه افراد، تأکید بسیاری دارد. برخی از عبارات او این امر را تأیید می‌کند. وی می‌فرماید: «ما باید امضا و تعهد بدهیم و موافقت دسته‌جمعی کنیم که امام غائب را در عمل به دستورات دینی یاری و نصرت می‌کنیم و نقض عهد و پیمان شکنی نکنیم، تا او از پس پرده بیرون بیاید»^۲. این تأکید بدین معنا است که محبت صرف، کافی نیست و حضرت «به قلبی احتیاج دارد که مهیا شوند برای اینکه عدل مبسوط روی زمین اقامه شود»^۳. به این معنا در کنار معرفت و محبت، اطاعت از امام و اقدام عملی نیز لازم است. زمانی که مطاع امام است، تردیدی برای مأموم وجود ندارد که بدون محاجه یا شاهدطلبی، به اطاعت بپردازد و این از مقدمات سلوک عرفانی است؛ لذا می‌فرماید: «بنده چه کار دارد که بخواهد جمال امام را ببیند؟ باید مطیع ایشان باشیم»^۴ و «امام، اشخاصی را می‌خواهند که تنها برای آن حضرت باشند. برای خدا و در راه خدا منتظر آن حضرت باشند؛ نه برای برآوردن حاجات شخصی خود»^۵. آیت‌الله بهجت رحمته‌الله مشی خود را از کسانی که منتظر منفعل هستند، تفکیک کرده، می‌فرماید: «تنها انتظار فرج کافی نیست. تهیاً، بلکه طاعت و بندگی نیز لازم است»^۶.

۲. ظرفیت‌های «رویکرد آیت‌الله بهجت رحمته‌الله به آموزه مهدویت» در مواجهه با آینده

آموزه مهدویت دلالت دارد بر اینکه جامع‌ترین شریعت الهی، به نسبت «انسان و زمان» توجه ویژه داشته است. وقایع آینده، عهده‌دار بخشی از مسئولیت شریعت از یک سو و مسئولیت انسان

۱. همان، ص ۱۸۳.

۲. همان.

۳. همان.

۴. همان، ص ۱۸۷.

۵. همان، ص ۱۸۳.

۶. همان، ص ۱۸۶.

در هستی، از سوی دیگر است؛ لذا پرداختن به اینکه این آموزه با توسل به چه عناصری ظرفیت‌های خود را برای عهده‌داری مسئولیت آینده و رساندن بشر به سعادت نشان می‌دهد، امر مهمی است.

ترسیم مبادی آینده‌پژوهی

مهم‌ترین مبادی‌ای که آینده‌پژوهی، مسیر خود را از آنجا آغاز کرده، فهم عمیق و ناظر به کشف و حل مسئله‌هایی است که با عنصر زمان (تحولات، چالش‌ها و امیدهای مربوط به زمان حال، گذشته و آینده) در هم تنیده بوده‌اند. در کنار این عناصر زمانی، اصلی به نام عدم قطعیت برای آینده‌پژوهان وجود دارد که به دلیل اهمیت آن، پیش فرض گرفته شده است. در چنین وضعیتی پرداختن به نقش و رسالت رویه‌های وحیانی، راهگشا خواهد بود. در واقع اگر از منظر این مبادی به آینده فرد، جامعه، جهان و تاریخ نگریسته شود، در عین حال تفکر عرفایی چون آیت‌الله بهجت رحمته‌الله مدنظر باشد، ترسیم آینده با ابزار، روش، محتوا و غایتی متفاوت از آنچه تاکنون تحت عنوان آینده‌پژوهی مرسوم انجام شده است، صورت خواهد گرفت.

مثلث آینده‌پژوهی

آینده‌پژوهی برای اینکه بتواند فضای آینده را بهتر بفهمد، بیان کند، پیش‌بینی نماید و در ترسیم و تحقق آن نقش داشته باشد، درک سه بعدی از زمان را مدنظر قرار داده است و با ابزاری به نام «مثلث آینده‌ها»، به مجموعه‌ای از محرک‌ها و بازدارنده‌هایی می‌پردازد که برای شناسایی آینده ضروری‌اند. این مثلث، سه گوشهٔ وزنی، فشاری و کششی دارد. فشار حال^۱ شامل روندها، پیشران‌ها و تصمیمات یا اقداماتی است که به دگرگونی منجر می‌شوند. کشش آینده^۲، تصویر یا دیدگاهی است که به مسئله تبدیل می‌شود و در مراحل بعدی مورد بررسی قرار می‌گیرد. وزن گذشته^۳، وزنی تاریخی است و شامل دسته‌ای از عوامل ساختاری از قبیل ساختارهای سازمانی،

1. Weight of the past.
2. Pull of the future.
3. Push of the present.

سیاست‌ها، قوانین، مقررات، ساختارهای علمی یا روایت‌های تاریخی است که مانع از تغییر می‌شود و از دستیابی ما به آینده جلوگیری می‌کند.^۱ با نظر به این سه‌گانه زمانی، به ترسیم وضعیت گذشته، حال و آینده از منظر جهان‌بینی توحیدی پرداخته می‌شود، تا موضع انسان در قبال وضعیت موجود، برنامه‌ها و سیاست‌هایی که باید اتخاذ کند، چشم‌اندازی که باید ترسیم و درک نماید و غایتی که بدان امیدوار باشد، ترسیم شود.

- ترسیم گذشته در جهان‌بینی توحیدی

گذشته، از منظر انسان موحد، سرشار از عبرت‌آموزی است. قرآن کریم تعبیر عبرت را برای صاحبان چشم‌ها و اندیشه‌ها به کار برده است. حتی تعبیر «سیر در ارض» که در فرهنگ قرآنی به کار رفته است، نوعی جهان‌گردی بی‌هدف نیست؛ بلکه بررسی حوادث تاریخی به منظور بصیرت‌افزایی است. گذشته جهان در جهان‌بینی توحیدی، از حجت خدا خالی نبوده است؛ کما اینکه در آینده نیز چنین نخواهد شد. البته این امر از نظر آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه «از مراتب پائین افاضات برای عموم انسان‌ها است؛ به‌گونه‌ای که اگر یک روز زمین بدون امامی از اهل بیت علیهم‌السلام بماند، اهلش را در خود فرو می‌برد؛ اما مراتب بالاتر آن، اختصاص به اهل ایمان دارد»^۲.

- ترسیم حال در جهان‌بینی توحیدی

برای انسان باورمند به توحید، وضعیت کنونی جامعه بشری وضعیتی ناگوار است. بی‌عدالتی و فقدان صلاحیت در تصدی امور کلان جهانی، موج می‌زند و قدرت‌های برتر، اقداماتی ظالمانه در حق سایر جوامع اعمال می‌کنند. البته امکان اصلاح وضعیت، تا حدودی وجود دارد. وقوع تحولاتی مانند انقلاب اسلامی ایران، حرکت عظیمی در همین راستا بوده است. خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی که از مؤلفه‌های اصلی بیانیه گام دوم می‌باشد، مسیر اصلاح وضعیت موجود را روشن کرده است. از نظر آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه، اصلاح امور صرفاً به دست خود انسان صورت

۱. عنایت‌الله، پرسش از آینده، ص ۲۳۸.

۲. بهجت، حضرت حجت، ص ۵۳.

نمی‌گیرد و حجت خداوند به صورت حی و حاضر در حال تدبیر امور است. این نوع تدبیر، مختص جهان پس از ظهور نیست و «خدا می‌داند که حضرت همین الآن چه کارها و چه دستگیری‌هایی دارد»^۱.

فشار حال در سطوح مختلف قابل بررسی است؛ از سطح سیاست‌گذاری‌های کلان گرفته تا عمومی‌ترین نیازهای مردم در حیات متعارف آنان. سیاست‌های آمریکا و اسرائیل در قبال وضعیت خاورمیانه، مصداقی از نیروهایی است که بر زمان حال، فشار وارد می‌کند. این وضعیت به مثابه ابتلائاتی است که برای مؤمنان در دوران غیبت ایجاد شده است و از نظر آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه «مؤمنان باید برای آن‌ها مسلح و آماده باشند و با دیدن آن ابتلائات، قلبشان متزلزل نشود»^۲.

- ترسیم آینده در جهان بینی توحیدی

آینده‌ای که برای انسان موحد توصیف و مقدر شده، اولاً آینده مطلوب است، ثانیاً قبل از تحقق آن، نامطلوبی به نهایت اندازه خود خواهد رسید، ثالثاً جهان مطلوب، مستقیماً به دست ولی خدا اداره خواهد شد. روایات متعددی وضعیت جهان پس‌ازظهور را توصیف و تحلیل کرده‌اند؛ برای مثال، آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه درباره اینکه در آخرالزمان اهل بلاد، همدیگر را می‌بینند، می‌فرماید:

با ابزاری نظیر اشعه یا برق می‌شود آن سوی دیوار یا داخل بدن انسان را دید؛ منتهی ارزان و همگانی نیست و خودشان را نمی‌بینند؛ بلکه تنها عکسشان را می‌بینند؛ ولی آیا مقصود از این روایت، دیدن با ابزار است یا اینکه دیده‌ها به‌گونه‌ای قوی می‌شود که خود اهل بلاد را می‌بینند، نه عکس آن‌ها را؟

روایت بر این موضوع تأکید دارد که همانا وقتی قائم ما قیام کرد، خداوند عزوجل به گوش‌ها و چشم‌های شیعیان ما قوتی می‌دهد که بین آن‌ها و قائم هیچ پیکی وجود ندارد؛ حضرت با آن‌ها سخن می‌گوید و آن‌ها می‌شنوند و به ایشان نظر می‌کنند؛ در حالی که او در مکان خودش است.^۳

۱. همان، ص ۱۷۲.

۲. همان، ص ۱۸۵.

۳. کلینی، کافی، ج ۸، ص ۲۴۱.

از امام صادق علیه السلام نقل است که در زمان قائم، مؤمن در حالی که در مشرق است، برادرش را در مغرب می‌بیند و بالعکس^۱؛ کشف معادن زیر زمین^۲ و مواردی مانند آن، تنها نمونه‌هایی از جذابیت و کشش آینده می‌باشد که از طریق روایات به شیعیان رسیده است.

ایده دینی، این ظرفیت را دارد که در لیست آینده‌های مطلوب برای آینده‌پژوهان قرار بگیرد؛ زیرا مبتنی بر فطرت نورطلب آحاد بشر است. اگر تا کنون چنین اتفاقی نیفتاده، دلیل آن از منظر آیت‌الله بهجت علیه السلام کم بودن عاملان به دین است^۳. تحلیل مثلث آینده‌پژوهی، از طریق تفسیر آیت‌الله بهجت علیه السلام بر روایت پیامبر صلی الله علیه و آله که فرموده‌اند: «يَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مِلَّتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا» صورت می‌گیرد. بر اساس تفسیر وی می‌توان فشار حال را با واژه «ظلم و جور» و کشش آینده را از طریق واژه «ملتت» تحلیل کرد. در این فرمایش، محور سخن معصوم، ظلم و جور است؛ زیرا همه بشر ادراک مشترکی از این موضوع دارند:

معصوم نفرموده است: "ملتت کفرا"؛ چون هر کافری می‌گوید: "دین من خوب است"؛ بلکه فرمودند: "ملتت ظلما" که دیگر وجدانی هر کس است که باید یک منجی بیاید^۴.

از این تأکید چنین برداشت می‌شود:

۱. با توجه به همه‌فهمی واژه ظلم، تمام آحاد بشر، مخاطب رویدادی به نام ظهور می‌باشند و آن را درک کرده، خواهان آن هستند. مفهوم ظلم می‌تواند مصادیقی داشته باشد که مورد اجماع همگان نیست؛ اما کسی در ظالمانه بودن اموری چون کودک‌کشی‌های پیوسته‌ای که در جریان جنگ اسرائیل و فلسطین رخ داده، تردیدی ندارد. به تعبیر آیت‌الله بهجت علیه السلام:

همه، اعم از بی‌دین و دیندار اعتراف می‌کنند که وضعی که در آن قرار دارند، وضع

۱. مجلسی، بحارالانوار، ص ۳۹۱.

۲. بهجت، حضرت حجت، ص ۲۹۱.

۳. همان، ص ۲۸۶.

۴. همان، ص ۲۵۷.

عقلایی که ممکن باشد بشر در سایه آن زندگی انسانی کند، نیست.^۱

۲. معصوم به جای «قسط» (برای مثال) نفرموده است «ایمان» و به جای «ظلم» نفرموده است «کفر»؛ زیرا کفر و ایمان، ظرفیت تفاسیر وارونه دارند و عامه مردم را با دگرگونی معنایی چنین واژگانی می‌توان فریفت؛ کما اینکه صهیونیسم با شعارهایی که ظاهر انسانی دارند، در حال اغوای افکار عمومی جهان بوده و هستند. از آنجا که تاب‌آوری عموم مردم برای پذیرش ظلم، بسیار کمتر از کفر است، فرموده‌اند جامعه با کفر اداره می‌گردد و با ظلم نمی‌شود.^۲ شایان ذکر است که در آینده جهان، سخن از تکثیر ظالم نیست؛ بلکه بر کثرت ظلم تأکید شده است که با همه گستردگی آن می‌تواند از سوی عده قلیلی صورت گیرد.

۳. معنای حقیقی «یملأ الارض» این است که فشار حال و حرکتی که به سوی آینده دارد، به اندازه‌ای فراگیر است که حتی سرزمین کفار را هم در بر می‌گیرد و این یکی از صحنه‌های مواجهه ارزشی در عالم است که در آن، بشر به اعلام موضع در خصوص عدل یا ظلم موجود در پهنه جهان می‌پردازد. سهم عمده‌ای از رویکردهای پسااستعماری شکل‌گرفته در سراسر دنیا، برآمده از جنبش‌های مردمی یا حتی علمی و تکنولوژیکی است؛ نه لزوماً جنبش‌های دینی. این وضعیت، مؤید این فرمایش آیت‌الله بهجت رحمته‌الله است:

به حدی که حتی بلاد کفر و کفار هم احساس کنند که ظلم و ستم بر سر آن‌ها سایه افکنده است؛ لذا آن‌ها هم خواهان فرج و گشایش و نجات جهانیان به دست منجی عالمند.^۳

مطلوبیت آینده به تعبیر آیت‌الله بهجت رحمته‌الله، نوعی شیرینی ضروری است:

شیرینی‌ها از تفکعات زائد بر ضرورت است؛ اما شیرینی ظهور آن حضرت، از اشدّ ضرورات است.^۴

۱. همان، ص ۲۵۴.

۲. شعیری، جامع الاخبار، ص ۱۱۹.

۳. بهجت، حضرت حجت، ص ۲۵۴.

۴. همان، ص ۲۸۳.

و به همین دلیل:

ممکن است کسی در بلاد کفر سکونت داشته باشد؛ ولی ایمان و اعتقادش بر خلاف حکومت‌های بی‌دین و یا بی‌عقل، و یا بی‌دین و بی‌عقل باشد و با این حال، منتظر فرج باشد.^۱

۴. تأکید بر واژه «یماً» ناظر به آینده است و بر شرط دیگری برای تحقق وعده الهی دلالت دارد، و آن، مرتبه لازمی از ظلم است. آیت‌الله بهجت رحمته‌الله می‌فرماید:

بعضی خیال می‌کنند وقتی که حضرت ظهور کنند، کشتار واقع می‌شود؛ ولی چنین نیست؛ بلکه کشتار قبل از ظهور آن حضرت است. در روایتی آمده است: سفیانی، صد و هفتاد هزار نفر را در فلان محله یا منطقه عراق می‌کشد.^۲

وی معتقد است:

جهان هم‌اکنون از ظلم پر شده است؛ اما اینکه هنوز ظهور اتفاق نیفتاده است، به دلیل درجاتی است که این امر (پر شدن) دارد و هنوز درجه مورد نظر، محقق نشده است. مقصود از پر شدن، رسیدن به درجه‌ای از ظلم است که ما نمی‌دانیم چیست که اذن ظهور آن موقع صادر شود؛ اما می‌دانیم که نزدیک است. البته علاوه بر اندازه ظلم، میزان مطالبه مردم هم اثرگذار است و تا قبل از به نهایت رسیدن ظلم، هنوز ما نمی‌خواهیم که اهل بیت علیهم‌السلام بر ما حکومت کنند.^۳

از نظر آیت‌الله بهجت رحمته‌الله:

«ملئت ظلما و جورا» دارای مراتب است و در گذشته تاریخ به شکل‌های مختلفی بروز یافته است؛ مانند ماجرای سقیفه و شهادت امام حسین علیه‌السلام که بشریت را تا ابد مبتلا نموده است.^۴

۱. همان، ص ۱۹۷.

۲. همان، ص ۲۷۶ و ۲۷۷.

۳. همان، ص ۱۷۳.

۴. همان، ص ۲۵۵.

اما آن مرتبه خاص از ظلم که خروج امام را در پی خواهد داشت، هنوز اتفاق نیفتاده است؛ لذا از نظر آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه، ما نمی‌توانیم تعیین و تحدید کنیم که چه مرتبه‌ای از ظلم منظور بوده است. آنچه مسلم است این است که «پر شدن از ظلم مدنظر است، نه پر از ظلم باقی ماندن زمین»^۱. ممکن است در حال حاضر و در آینده‌های پیش رو، پر شدن از ظلم به شکل‌های متنوعی ظاهر شود؛ بنابراین: «ظهور مقید است به زمانی نه زمان»^۲.

۵. فراگیری ظلم صرفاً از بُعد کنشی نیست و ظهوراتی از نوع عاطفی نیز دارد. آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه می‌فرماید:

با اینکه اندوه و شادی مؤمن به دیگر مؤمنان سرایت می‌کند، چرا ما با این همه بلاها و مصائب که بر اهل ایمان وارد می‌گردد، بی‌تفاوت هستیم؟ یا ما ایمان نداریم یا آن‌ها و یا قلب‌ها قسی شده است. در روایت است که ظهور قائم آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم «بعد قسوة القلوب» خواهد بود^۳.

او با اشراف کامل بر نظریه و دلایل دو گروهی که در باب زمان ظهور، مبعود و مقرب هستند، خود را در دسته دوم قرار می‌دهد و شاهد این امر را به تعبیر خودش «در و دیوار» می‌داند^۴. مقصود این است که اگر با نظری بصیرانه به امور نگریسته شود، فریاد و هیاهوی پدیده‌ها و حتی جمادات از شدت ظلمی که در زمین ایجاد شده و عطش و افری که در همین زمین، برای برقراری عدل وجود دارد، قابل درک است. این نگرش برآمده از رویکرد عرفانی او به عالم هستی است که وقتی ذیل چتر توحید قرار می‌گیرند و از عوامل معرفت‌زدا که مهم‌ترین آن ارتکاب گناه است، اجتناب می‌نمایند، به ادراک اموری نائل می‌شوند که عامه مردم از آن بی‌بهره‌اند. مهم‌ترین آن امور، دیدار امام عصر عجل‌الله‌فرجه است؛ لذا می‌فرماید:

۱. همان، ص ۲۵۶.

۲. همان، ص ۲۷۲.

۳. همان، ص ۲۶۴.

۴. همان، ص ۷۹.

ترک واجبات و ارتکاب محرمات، حجاب و نقاب دیدار ما از آن حضرت است.^۱ از تحلیل آیت‌الله بهجت رحمته‌الله بر فرمایش معصوم، دلالت‌های زیر برای آینده‌پژوهی به دست می‌آید:

الف. تفکیک آینده‌پژوهی مردمی از آینده‌پژوهی سیستمی

تفکیک برخی دوگانه‌ها در مباحث آینده‌پژوهانه به فهم بهتر این نوع مطالعات یاری می‌کند؛ مانند رویکرد آینده‌پژوهی توصیفی از آینده‌پژوهی مدیریتی، رویکرد فردی از رویکرد اجتماعی، گرایش عمومی و مردمی به وقایع آینده از گرایش صاحبان قدرت‌های نظامی سیاسی به مدیریت آینده. در این میان، وظیفه اصلی آینده‌پژوهی توصیفی، این است که نشان دهد از جهت مقوله‌های کلان حیات بشر یعنی ظلم و عدل، بر اساس عملکردهای صاحبان قدرت و نگرش عمومی مردم، آینده چگونه پیش می‌رود؟ به عبارت دیگر در آینده، نمودار ظلم و جور چگونه خواهد بود؟ این مباحث کمک می‌کند که مبادی آینده‌پژوهی به دقت ترسیم شود.

آنچه از فرمایش آیت‌الله بهجت رحمته‌الله در باب آینده برداشت می‌شود، این است که میان آینده‌سازی مردمی و آینده‌سازی سیستمی، لزوماً همراهی و همسویی وجود ندارد. در واقع، مسیر آینده با قطعیت در همان مسیری که صاحبان قدرت آنرا طراحی کرده‌اند، پیش نمی‌رود و گرایش‌های اصیل عموم مردم در سطح جهان، معادله قدرت را بر هم خواهد زد. این امر، ظرفیت مهمی پیش روی مطالعات ناظر به آینده توحیدی و نیز جمع‌آوری مؤیداتی برای آمادگی‌های پیش‌آزمایشی قرار می‌دهد. آیت‌الله بهجت رحمته‌الله با بیان اینکه ساختارهای قدرت در میان کفار، مانع اتصال مردم به امام و تسهیل شرایط مطلوب می‌شوند، بر وظایف عامه مردم برای عدم تحقق تصمیمات آنان تأکید کرده، می‌فرماید:

کأنه در و دیوار به ما می‌گویند که کفار در فکر شما هستند. باید بر دو کار مواظبت کنیم: یکی اینکه خراب‌تر نکنیم. شهوت و غضب داریم؛ چیزی هم خودمان روی این دو نگذاریم. دوم بدانیم «من این اوتینا» [از کجا این گرفتاری‌ها بر ما وارد شد؟] بفهمیم که بین ما و کسی که همه مفسد بر نبود او مترتب است، جدایی

۱. همان، ص ۱۷۶.

انداخته‌اند.^۱

این فرمایش بدان معنا است که جو حاکم بر فضای درک عموم مردم چیزی است غیر از ساختار و روابط سیاسی دولت‌ها. آینده‌پژوهی مردم‌مدار با آینده‌پژوهی سیستم‌مدار از این جهت تفاوت دارد که سرمایه اجتماعی مردم را جدی گرفته و از طریق نوعی فهم بصیرانه، به اقدامی ساده و راه‌گشا مانند رعایت اصول اخلاقی و دعا برای فرج دعوت می‌کند؛ بنابراین می‌توان گفت نمودار «مُلِئْتُ ظُلْمًا وَ جَوْرًا» در مطالعات آینده‌پژوهی از منظر عموم بشر، صعودی و از منظر ساختارهای سیاسی، به صورت نزولی القا می‌شود.

ب. ناگهانی بودن رویداد اصلی ناظر به آینده و حوادث غیر مترقبه

یکی از وجوه جامعیت آموزه مهدویت، این است که هم به لحاظ ایدئولوژیک و هم کاربردی، پیش‌بینی و محاسبه تمام جوانب امور مربوط به حال و آینده را دارد. این موضوع که عموم مردم از زمان دقیق وعده‌های مربوط به آینده مطلع نیستند، بر ظرفیت غنی آموزه مهدویت دلالت دارد. آینده‌پژوه‌هان بر اساس توصیفی که از آینده صورت می‌دهند، زمان وقوع رویدادها را محاسبه می‌کنند. از نظر آن‌ها مهم است بدانیم که در چه زمانی و تحت چه شرایطی، وضعیت نامطلوب به اوج خود خواهد رسید و وضعیت مطلوب ایجاد خواهد شد. یکی از معیارهای مهمی که آینده‌پژوه‌هان مورد ملاحظه قرار می‌دهند، حادثه‌های دفعی غیر مترقبه است. از نظر آن‌ها همواره باید آماده انواع رویدادهای غیرقابل پیش‌بینی بود. همین موضوع در آینده دینی به شکل هوشمندانه‌ای گنجانده شده است. روایات بسیاری وجود دارد که ظهور را از منظر ناگهانی بودن زمان وقوع آن به قیامت شبیه می‌دانند. آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه نظر به آیه شریف ۱۸۷ سوره اعراف «لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً» داشته و می‌فرماید:

امر ظهور حضرت ص معلوم نیست چند هزار سال طول خواهد کشید؛ با این همه، می‌گویند قریب است؛ مانند نزدیک بودن قیامت^۲.

۱. همان، ص ۲۶۰.

۲. همان، ص ۷۹.

حادثه‌های دفعی غیر مترقبه، هم نزد آینده‌پژوهان و هم در بطن آموزه مهدویت وجود دارد و این حاکی از مواجهه‌ای متقن با دعاوی دینی ناظر به آینده است. در جدول زیر تطبیق برخی از مؤلفه‌های مربوط به مثلث آینده‌پژوهی و آموزه مهدویت صورت گرفته است:

گزاره‌هایی مربوط به آموزه مهدویت/ موضوعات و مسائل آینده	قلمرو/ عرصه تأثیر	بعد زمانی
<p>راه‌گشایی تمدن اسلامی برای تمدن نوین اسلامی</p> <p>انعکاس فشار گذشته در پیشران‌هایی همچون تغییرات جمعیت‌شناسی، رشد فناوری‌ها، برهم خوردن معادلات قدرت، اولویت یافتن اقتصاد و ...</p> <p>پیشینه سلطه‌طلبی از سوی کشورهای صاحب قدرت</p> <p>خسارت‌هایی که تغییر وضعیت، برای استعمارگران ایجاد می‌کند (موانع تغییر)</p> <p>تلاش قدرت‌های برتر برای حفظ هژمونی</p>	<p>کلان روندهای تاریخی</p>	<p>وزن گذشته</p>
<p>افزایش گرایش به موعودباوری در سطح جهان (در ایران بعد از انقلاب اسلامی)</p> <p>افزایش سطح آگاهی و مطالبات عدالت‌خواهانه مردم از دولت‌ها</p> <p>افزایش میزان مطالبه عمومی مردم دنیا برای اتمام جنگ‌های داخلی</p> <p>مخالفت کشورها با سلطه‌طلبی استعمارگران</p> <p>استقبال از موضوعات و پدیده‌های نوپدید</p> <p>رشد فزاینده فناوری و افزایش دسترسی به آن (عمومی شدن فناوری‌ها) در راستای عدالت اجتماعی</p> <p>توسعه گرایش‌های پسااستعماری در اشکال نظری و عملی</p> <p>بی‌اعتمادی به روایتگری صاحبان قدرت</p> <p>علاقه‌مندی به شفاف‌سازی اطلاعات (حق‌طلبی)</p> <p>تداوم جهانی‌سازی (آمادگی برای مدیریت کلان جهان)</p> <p>تأکید آینده‌پژوهان بر چهره غیر غربی جهانی شدن در آینده</p>	<p>روندها (تغییرات منظم در داده‌ها یا پدیده‌ها در خلال زمان)</p>	<p>فشار حال</p>

گزاره‌هایی مربوط به آموزه مهدویت / موضوعات و مسائل آینده	قلمرو/ عرصه تأثیر	بعد زمانی
<p>فلسفی: چندصدایی شدن و خروج از ساختارهای سلطه محور در اثر غلبه تفکر پست مدرنی</p> <p>سیاسی: عملکرد قدرت‌های نوظهور؛ مانند جمهوری اسلامی ایران / گسترش موج استقلال طلبی در کشورهای در حال توسعه؛ به ویژه در کشورهای آمریکای لاتین</p> <p>اقتصادی: قرار گرفتن رشد اقتصادی تحت تأثیر فشارهای سیاسی / چندقطبی شدن ساختار نظام بین‌الملل و تضعیف جایگاه قدرت هژمون آمریکا در سطح جهان و منطقه / فراملی شدن مبادلات اجتماعی فرهنگی: آرمان شهرگرایی</p> <p>زیست محیطی: توسعه تولیدات غذایی و انرژی / چالش آب، تغییرات اقلیمی و افزایش گرمای زمین</p> <p>فناوری: توسعه فناوری‌های شزان (شناختی، زیستی، اطلاعاتی و نانو)</p> <p>نقش جهان اسلام: توسعه مفاهیمی چون مقاومت، تمدن‌سازی اسلامی، مردم‌سالاری دینی و ...</p>	<p>پیش‌رها (نیروهای عمده تغییر)</p>	
<p>ارتقای آگاهی، آمادگی و توانایی منتظران (اعم از منتظران آگاه و ناآگاه ظهور)</p> <p>ایستادگی در برابر ظالم (مانند فعال شدن جبهه مقاومت)</p> <p>توسعه فردی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی از طریق درک رابطه بین فرد، ساختار و امر متعالی</p> <p>اتخاذ تصمیمات در حال و آینده منوط به ارتباط متقابل امام و مأموم</p>	<p>تصمیمات</p>	
<p>آموزه مهدویت به مثابه پیونددهنده دین و آینده است</p> <p>توسعه انگیزه‌ها و نیروهایی که عموم مردم را مشتاق آینده آرمانی می‌کند</p> <p>جذابیت موجود در کشف ناشناخته‌ها</p> <p>آینده مرفهانه، آینده ایده‌آل است</p> <p>آینده مرجح، آینده‌ای همسو با نیازهای فطری بشر است</p> <p>اتکا به عصمت امام، به مثابه گزینش خردمندانه مسیر پیش رو است</p>	<p>تمام جنبه‌ها و مراتب وجودی انسان (جسمی، ذهنی، قلبی و رفتاری)</p>	<p>کشش آینده</p>

اصل عدم قطعیت

آینده‌پژوهان معتقدند که هیچ چیز یقینی درباره آینده وجود ندارد:

آینده‌پژوهی، نظامی است که آینده‌های نامحتموم را می‌کاود و در مورد رسیدن به آنچه می‌تواند مقصد تصمیم‌گیری‌های اکنون باشد، بحث می‌کند.^۱

خاستگاه اصل عدم قطعیت، اشاعه اندیشه‌های غیر وحیانی در گستره تحولات فلسفی غرب در طی قرون متمادی بوده است؛ وضعیتی که با ظهور تفکرات پست‌مدرنی و پس‌اساختارگرایی به اوج خود رسید. اصل عدم قطعیت از دو منظر قابل بررسی است:

الف. با توجه به ضوابط آینده‌پژوهی، اصل عدم قطعیت، اصلی پذیرفتنی است؛ حتی از منظر یک فرد مسلمان که معتقد به حتمیت برخی رویدادها مانند ظهور و قیامت است؛ زیرا این اصل مانع القای حتمیت سلطه‌ایدیولوژیک رویه‌های قدرت می‌شود. آینده‌پژوهان در کنار اصل عدم قطعیت، از آینده‌های باورپذیر، سخن به میان می‌آورند؛ آینده‌هایی که «از احتمال وقوع معقولی برخوردار می‌باشند؛ چراکه آن‌ها در راستای معرفت و فهم عمومی موجود در خصوص چگونگی کارکرد جهان می‌باشند»^۲. بر این اساس، آن‌ها معتقد به معقولیت آینده‌اند و نه حتمیت آن. نامحتمومی، در ذات آینده‌پژوهی نهفته است.

ب. منظر دوم، نفی مطلق بودن این اصل است؛ از این جهت که اولاً تحقق آینده دینی، قطعی است؛ ثانیاً آینده قطعاً با آموزه مهدویت ارتباط دارد. از منظر آیت‌الله بهجت^۳:

منظور از غلبه اسلام بر ادیان، غلبه برهانی نیست؛ زیرا در زمان حضرت رسول اکرم^ﷺ هم، چنین غلبه‌ای وجود داشت. مراد، غلبه تکوینی است، نه غلبه تشریحی؛ پس باید زمانی باشد که دین اسلام بر ادیان غلبه تکوینی کند و آن، بعد از ظهور حضرت حجت است.^۲

1. Silva, A systematic review of foresight in project Management literature, p 792-799.

2. Habegger, Strategic foresight in public policy, p 51.

۳. بهجت، حضرت حجت، ص ۲۸۸.

ارتباط امام و امورات عالم، امر دائمی و متوسع است. مؤمنان یقین دارند که حتی «در زمان غیبت، عنایات و افاضات حضرت صاحب الزمان علیه السلام دائماً شامل حال انسان‌ها می‌شود»^۱. بدین منظور باید به پیوند لابدیت و ابدیت پرداخت. آینده‌پژوهی، تمثیت امور دنیایی انسان است؛ اما مقوله امامت، از گذشته تا آینده امتداد یافته است و علاوه بر تمثیت امور دنیایی بشر که تا حدودی با اهداف آینده‌پژوهی، مشترک است، ابدیت انسان را تأمین می‌کند. لابدیت حضور امام، به ابدیت بشر گره خورده است و این دو از یکدیگر تفکیک پذیر نیستند. این مفاهیم، بر قطعیت اموری ناظر به آینده دلالت دارند. آینده‌پژوهان به کاربردهای یقین در آینده‌پژوهی نپرداختند؛ اما این موضوع می‌تواند بابتی بگشاید به سوی وجوه تازه‌ای از این دانش.

توجه به این اصل و پیش‌بینی دقیق امور، به تصمیمات به‌هنگام منجر خواهد شد و بر وجه سیال و منعطف آینده دلالت دارد. امام خمینی ره مرتبط با این بحث می‌فرماید:

چه بسا شیوه‌های رایج اداره امور مردم، در سال‌های آینده تغییر کند و جوامع بشری برای حل مشکلات خود به مسائل جدید اسلام نیاز پیدا کند. علمای بزرگوار اسلام از هم‌اکنون باید برای این موضوع فکری کنند^۲.

از این منظر که آینده به درک شدن، تصویرسازی و خلق شدن، نیاز دارد، به دانش آینده‌ها، تفکر آینده‌اندیش و سیستم آینده‌ساز نیاز است، تا ساختارهای اداره جوامع به شکل معقولی بازبینی و بازسازی شوند.

فرج شخصی و عمومی

حضرت آیت‌الله بهجت ره بحث از گشایشی را که ناظر به وجود امام در پهنه عالم هستی است، از دو منظر بررسی می‌کند: نخست تفکیک فرج عمومی از فرج شخصی، و دیگر، منجر شدن فرج شخصی به فرج اجتماعی. از منظر نخست، آیت‌الله بهجت ره معتقد است:

حتی اگر با دعا برای ظهور حضرت، به مصالحی فرج عام حاصل نشود، قطعاً برای

۱. همان، ص ۵۳.

۲. امام خمینی، صحیفه امام خمینی، ص ۲۹۲.

خود دعاکننده، فرج شخصی - که امری اختیاری است - حاصل می‌شود.^۱

از منظر دوم، اصلاح فردی به اصلاح اجتماعی می‌انجامد و «اگر ما خودمان را اصلاح کنیم، به تدریج همه بشر اصلاح می‌شود»^۲. بدین منظور لازم است «اقدام به طراحی برنامه و التزام عملی به آن داشته باشیم و پس از اصلاح خود به اصلاح دیگران همت بگماریم. لازم است این امر با طرح ادله و اقناع سازی کافی صورت گیرد»^۳. موانعی که برای فرج وجود دارد، عمدتاً از جنس بشری است و لذا آیت‌الله بهجت رحمته‌الله‌علیه تأکید دارد که انجام محرمات و ترک واجبات عملاً باعث تأخیر در فرج می‌شود؛ لذا می‌فرماید:

توبه از گناهان، از مهم‌ترین اسباب آماده شدن هر شخص برای ظهور است.^۴

تحقق فرج عمومی از جنس ایجاد آرمان شهرهایی است که همواره در طول تاریخ بشر، به عنوان صورتی برانگیزاننده و پیشرو از نوع زیست مردم، توجه اندیشمندان و عامه مردم را به خود مشغول داشته است. آرمان شهرها بعد از قرن هجدهم، «زمانی» شدند، نه «مکانی»؛ اما وقت و زمان وقوع آن‌ها معلوم نبوده است. آگاهی از زمان پدیده ظهور و ایجاد آرمان شهر مهدوی نیز جز برای خداوند و هر آن کس که خداوند اراده فرموده است، میسر نیست؛ اگرچه برخی تعیین وقت کرده‌اند؛ آیت‌الله بهجت رحمته‌الله‌علیه به استناد روایات، آن‌ها را کذبون می‌نامد.^۵

آرمان شهرگرایی مهدوی، حرکت تاریخ به سمت ظهور با انواع زمینه‌سازی‌های آگاهانه و ناآگاهانه است. در واقع حتی جریان‌هایی که علی‌الظاهر با ایده ظهور، نسبتی ندارند، به‌گونه‌ای در زمینه‌سازی ظهور اثرگذار خواهند شد. این همان حرکت تاریخ به سوی آینده قطعی وعده داده شده در دین است. فرجی که در آرمان شهر مهدوی وجود دارد، عینیت مطلق دارد و متمایز از آرمان شهر افلاطون، آگوستین، فارابی، مید، هاکسلی و دیگران است. برخی عناصر وفاق‌آفرین

۱. بهجت، حضرت حجت، ص ۶۷.

۲. همان، ص ۷۳.

۳. همان، ص ۱۹۱.

۴. همان، ص ۶۱.

۵. همان، ص ۵۵۸.

میان آرمان شهر مدرن و آرمان شهر مهدوی عبارت است از:

- تغییر از مکان محوری به زمان محوری در آرمان شهرگرایی؛
- گذر از اجتماع شهروندی با اوصاف آرمانی به جامعه‌ای با شهروندان معمولی؛
- فاصله گرفتن از اسطوره‌پروری در آرمان شهرگرایی؛
- تصور ویران شهری یا مدینه ضاله در صورت عدم تشکیل جامعه مطلوب.

شایان ذکر است که نوعی فهم نادرست نیز در باب فرج عمومی وجود دارد. آیت‌الله بهجت رحمته

می‌فرماید:

برخی گمان می‌کنند که هر قدر تفریق میان مسلمانان بیشتر شود، ظهور و فرج عمومی زودتر واقع می‌شود؛ لذا بر این امر همت می‌گمارند^۱.

در حالی که باید توجه به جهات مشترک کرد تا فرج عمومی رخ دهد. اگر از منظر دینی به آینده حیات بشر نگرسته شود، در جهت ایجاد فرج در معنای همگانی، همه‌مکانی و همه‌زمانی آن پرداختن هوشمندانه و مستمر به امور دیگری نیز لازم است که مهم‌ترین آن عبارت است از دعا کردن. توجه و اقدام به دعا در آینده‌پژوهی مهم است؛ زیرا عموم مردم و مطالبه آن‌ها در تحقق وعده الهی اثر دارد. این تأثیر هم برای خود شخص است و هم برای کیفیت مدیریت حضرت ولی عصر علیه السلام. در واقع نقش مردم در تحولات آینده از دو منظر قابل بررسی است: نخست نقش اجرایی، و دیگری نقش ایمانی که با دعا، ظهور می‌یابد؛ به همین دلیل است که آیت‌الله بهجت رحمته می‌فرماید: «حضرت ولی عصر علیه السلام به همه گفته‌اند: برای من دعا کنید»^۲.

در جدول زیر با توجه به دو عنصر فرج شخصی و فرج عمومی به مفاهیم و مصادیق جهان پیشاظهار و پساظهار پرداخته شده است:

۱. همان، ص ۲۰۷.

۲. همان، ص ۶۸.

	آینده نزدیک (جهان پیشاظهاره)		آینده محتوم (جهان پسازظهاره)	
	مفاهیم	مصادیق عینی	مفاهیم	مصادیق عینی
فرج شخصی	خودشناسی خودسازی	امیدواری / صالح شدن / تخلق به فضائل اخلاقی / شکوفایی اندیشه / ارتباط قلبی با امام / مشهود امام شدن / عمل به وظایف انسانی	توسعه عقل، محکم شدن قلب، ظهورات رفتاری مطلوب	خودشناسی خودسازی
فرج عمومی	زمینه‌سازی وعده الهی	برپایی انقلاب‌ها مانند انقلاب اسلامی	ظهور حضرت مهدی <small>عجله تعالی فرجه</small>	تحقق وعده الهی
	آمادگی عقول	توسعه علم و فناوری	پرورش علم و نابودی جهل کشف ۲۷ حرف دانش	شکوفایی عقول
	آمادگی قلوب	توسعه مهرورزی؛ مانند برپایی پیاده روی اربعین	انتشار محبت و غنای قلب‌ها / تبدیل دشمنی‌ها به دوستی / شیوع مهر حتی بین حیوانات	شکوفایی قلوب
	اقدامات	تقویت جبهه مقاومت / اعتراضات مردمی بر ضد ظلم حتی در بلاد کفر / مبارزه مردمی با حداقل امکانات	برپایی عدل / حاکمیت امنیت و ثبات در همه شئون زندگی / توزیع اموال عمومی و امکانات حکومتی براساس استحقاق شهروندان و قانون وحی / صدور حکم براساس واقع، نه شواهد / احیای احکام و قوانین معطل مانده اسلام / اجرای احکامی که زمینه اجرای آن‌ها فراهم نبوده است / عمران و توسعه شهری / توسعه مساجد / پرداخت زکات از سوی ثروتمندان و انباشته شدن آن در معابر عمومی و...	اقدامات

نتیجه‌گیری

در آموزه‌های دینی در خصوص آینده و رویدادهای حتمی و محتمل آن اظهار نظرهای متقنی انجام شده و اساساً حیات دین اسلام وابسته به آموزه مهدویت است. یافته‌های این پژوهش نشان داد:

۱. توافق اندیشمندان برای مطالعه در باب آینده، ظرفیت قابل توجهی برای فرایند آینده‌سازی با محوریت وعده‌های ادیان در باب ظهور منجی به طور کلی و آموزه مهدویت به طور خاص، در فهم عمومی جهان فراهم می‌نماید؛

۲. اگر با منطق اسلامی و اتکال به آموزه مهدویت به رویکردهای موجود در باب آینده نظر شود، این رویکردها از جهات متعددی قابل قبول، اصلاح و تکمیل است؛

۳. نظر به نقدهای صورت گرفته در باب آینده‌پژوهی، با براهین متقن برآمده از اندیشه توحیدی، می‌توان ایده‌های جایگزین معرفی کرد که از آسیب‌های مطرح شده در امان باشد؛

۴. پیوند اندیشه و عمل در آموزه مهدویت، طراحی جدیدی از انگاره‌ها در باب آینده را پیش روی انسان معاصر قرار می‌دهد که با وضعیت مطلوب او سازگاری بیشتری داشته باشد.

در این پژوهش، رویکرد آیت‌الله بهجت رحمته‌الله‌علیه به آموزه مهدویت و آینده‌پژوهی در کنار یکدیگر قرار گرفته و تأثیر و تأثرات آن‌ها با تمرکز بر اکتشاف ظرفیت‌های کلام آیت‌الله بهجت رحمته‌الله‌علیه و تجربیات عرفانی وی در باب معرفت، محبت و اطاعت در برابر امام، بررسی شد. با پیوند این سه مفهوم، نگرش این عارف وارسته تحلیل گردید و از آن برای شناسایی وضعیت کنونی و آتی و رسیدن به توصیف و تجویزهایی برای حیات مطلوب بشر بهره‌برداری شد.

ترسیم مبادی آینده‌پژوهی از طریق مثلث آینده‌پژوهی و اصل عدم قطعیت نشان داد که از منظر توحیدی، وضعیت گذشته، حال و آینده بر امور قطعی چون پرشدن زمین از ظلم، باقی نماندن این وضعیت و مطالبه عدالت از سوی همگان حتی بلاد کفر استوار است. این آگاهی مواجهه مؤمنان با ایده‌هایی که در باب آینده طراحی و اجرا می‌شوند را خردمندانه‌تر می‌نماید. ادراکات

آیت‌الله بهجت رحمته‌الله‌علیه مؤید و شاهدی هستند بر اینکه روند آینده را نه ساختارهای قدرت، بلکه اقبال عمومی مردم تعیین خواهد کرد. از نتایج گرایش‌های مردمی به اصلاح امور جهان و تدبیری که حضرت صاحب‌الامر علیه‌السلام بر عالم دارند، فرج شخصی و عمومی در جهان پیشاظهر و پس‌اظهر رخ خواهد داد.

منابع

قرآن.

نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم: مشرقین، ۱۳۷۹.

۱. بل، وندل، **مبانی آینده‌پژوهی**، تهران: مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری‌های دفاعی، ۱۳۹۲.

۲. بهجت، محمدتقی، **حضرت حجت**، قم: مرکز نشر آثار آیت‌الله بهجت رحمته، ۱۴۰۲.

۳. خمینی، سید روح‌الله، **صحیفه امام خمینی**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۰.

۴. _____، **سیمای معصومین علیهم‌السلام در اندیشه امام خمینی رحمته**، تهران: تبیان، ۱۳۷۸.

۵. شعیری، محمد بن محمد، **جامع الاخبار**، نجف: مطبعة حیدریة، چاپ اول، بی‌تا.

۶. شیخ عباس قمی، **مفاتیح الجنان**، قم: نبوغ، ۱۳۷۴.

۷. طباطبایی، محمدحسین، **طریق عرفان**، قم: آیت اشراق، ۱۳۹۳.

۸. عنایت‌الله، سهیل، **پرسش از آینده**، ترجمه مسعود منزوی، تهران: مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری‌های دفاعی، ۱۳۹۳.

۹. قمی، عباس، **مفاتیح نوین**، قم: علی بن ابی‌طالب، ۱۳۹۱.

۱۰. کاپالدی، نیکلاس، **فلسفه علم**، ترجمه علی حقی، تهران: سروش، ۱۳۷۷.

۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب، **اصول کافی**، ترجمه صادق حسن زاده، تهران: قائم آل محمد علیهم‌السلام، ۱۳۸۵.

۱۲. مجلسی، محمدباقر، **بحار الانوار**، لبنان: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۶۲.

۱۳. وستفال، ریچاردو، **تکوین علم جدید**، ترجمه عبدالحسین آذرنگ و رضا رضایی، تهران: طرح‌نو، ۱۳۷۹.

14. Bell, w. Foundations of Fututes Studies (2th ed.), New Jersey: Transaction Publishers.(2003).

15. Habegger, B. Strategic foresight in public policy: Reviewing the experiences of the UK, Singapore, and the Netherlands. Futures.(2010).

16. Voros, J. A generic foresight process framework. Foresight, 5(3), 10-21.(2003).

17. Silva, M. A systematic review of foresight in project Management literature. Procedia Computer Science, 64, 792-799.(2015).

18. Slaughter,R.Reflections on 40 Years of studies and futures, 40 (10), pp: 912-914. (2008).